

تجربه زیسته فرهنگ سیاسی دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی

محمدرضا انواری^۱، سیدعلی رحمان‌زاده^۲، محمدباقر تاج‌الدین^۳،

سروناز تربتی^۴

چکیده

پژوهش پیش‌رو از نظر اهداف کاربردی، از نظر ماهیت و نوع مطالعه در زمره پژوهش‌های کیفی و در زمره مطالعات تفسیری است که با بهره‌گیری از راهبرد پژوهش پدیدارشناسی «وان‌مانن» در صدد تبیین و تفسیر جوهره تجربه زیسته فرهنگ سیاسی دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی مجازی و شناخت عمیق این پدیده است. میدان مطالعه تحقیق شامل دانشجویان واحد علوم و تحقیقات تهران است و انتخاب نمونه تا اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت و به ۲۱ نفر رسید. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها درون‌مایه‌های اصلی و چندین درون‌مایه فرعی بدست آمد که در مجموع نتایج نشان داد که نقش روشنفکران به مثابه افراد آگاه وجدان‌بیدار جامعه، چه در نهادهای مدنی و سازمان‌های اجتماعی غیرسیاسی و چه در حالت متعلق بودن به احزاب و تشکل‌های سیاسی، به‌صورت عمومی به مثابه افراد متعلق به یک قشر اجتماعی به شکلی از اشکال تاحدودی موجب ارتقای فرهنگ سیاسی جامعه بوده و موجب پویایی و بیداری شعور اجتماعی و سیاسی دانشجویان نهایتاً در شکل‌گیری تفکر و احساسی ملی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی

فرهنگ سیاسی، شبکه‌های اجتماعی مجازی، پدیدارشناسی، دانشجویان

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۲۰

۱. دکتری علوم ارتباطات، گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
mr.anvari@ikco.ir

۲. استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
salirahmanzadeh@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
mb-tajeddin@yahoo.com

۴. استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
sarvenaz.torbati@gmail.com

۱. مقدمه

اگر چه بحث فرهنگ و نقش آن در نظام‌های اجتماعی و سیاسی موضوع جدیدی نیست، توجه به آن در قالب رشته علمی نوپایی نظیر سیاست تطبیقی، به سال‌های پس از جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. در این سال‌ها، فرهنگ به‌منزله عاملی کلیدی در کانون تحلیل نظریه‌های کارکردگرایی و سیستمی قرار گرفت. به نظر اندیشمندان سیاسی و اجتماعی، فرهنگ از طریق باورها، اسطوره‌ها، قواعد و هنجارها بر اندیشه و رفتار افراد تأثیر می‌گذارد و به‌عنوان ناظم روابط اجتماعی، شکل دهنده نهادها، تعیین کننده الگوها و جهت دهنده رفتار جمعی نقش مؤثری در زندگی سیاسی افراد ایفاء می‌کند (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۸). از طرفی روشنفکران در این میان وظیفه دارند با بهره‌گیری از هر روزنه و رویارویی با هزینه‌های آن، در آگاهی بخشی به جامعه مؤثر باشند. به علت نزاعی که از گذشته در خاورمیانه و در شرق وجود داشته است نمی‌توان ادعا کرد روشنفکران می‌توانند از هر رسانه پرمخاطبی استفاده کنند تا صدایی را که مخالف روایت غالب و حاکم است به گوش مردم برسانند. اما در این شرایط دشوار اگر جریان روشنفکری به انزوا کشانده نشود، می‌تواند برای روشن نگه داشتن چراغ امید در جامعه تلاش کند. موفقیت در این امر نیز تاحدی به عملکرد خود روشنفکران برمی‌گردد. وقتی تیراژ کتاب ممنوع شده یا جمع‌آوری شده‌ای از راه دانلود اینترنتی و راه‌های دیگری غیر از انتشار ده‌ها برابر می‌شود هم به نویسنده زیان وارد می‌کند و هم کنترل آن برای بانیان تکلیف سخت می‌شود. اما نمی‌توان به این موضوع خرده‌یی گرفت چراکه این راهی است که جامعه برای نفس کشیدن انتخاب کرده است. در این شرایط دشوار، روشنفکران وظیفه دارند فعالیت‌های خود را گسترش دهند چراکه انسان محکوم به امید است. جامعه به جریان فلسفه و اندیشه‌ورزی فلسفی و بنیاداندیشی تقلیل‌پذیر نیست. جامعه زنده و فعال، تمام این موارد را دربرمی‌گیرد و در این میان اگر کسی با توجه به اهلیت و شایستگی خود موضوعی را نقد کند سهم خود را تا حدی ادا کرده است. به نظر می‌رسد روشنفکران ما صدای خود را در حد توان به گوش جامعه رسانده‌اند و نقد و صدایی نیست که در سطح جامعه مطرح نشده باشد. بنابراین، برای داوری درباره جریان روشنفکری در ایران باید به شرایط جامعه توجه داشت.

ضرورت چنین مطالعه‌ای به اهمیت کشف الگوی فرهنگ سیاسی دانشجویان در دوره‌های اخیر بر می‌گردد. به‌ویژه آنکه بحث توسعه سیاسی بدون پرداختن به فرهنگ سیاسی نسل جوان، خاصه دانشجویان کم‌مایه خواهد بود. طبیعی است که حداقل فایده ترسیم نقشه فرهنگ سیاسی

این خواهد بود که نقطه عزیمت ما را در بحث از توسعه سیاسی مشخص خواهد ساخت. فرهنگ سیاسی خود می‌تواند معیاری برای میزان توسعه یافتگی کشورها در نظر گرفته شود؛ مشارکت دانشجویان در تصمیم‌گیری و حساس بودن درباره رفتارها و تصمیمات نهادها و روشنفکران نشانگر این است که توسعه در عرصه سیاسی صورت گرفته و دانشجویان با مشارکت خود به نوعی به تولید و باز تولید فرایند تصمیم‌گیری به نوع دموکراتیک آن تأکید می‌کنند. بنابراین براساس آنچه مطرح شد، سوال اصلی پژوهش پیش‌رو این است که فرهنگ سیاسی دانشجویان در پرتو فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی روشنفکران در شبکه‌های اجتماعی چگونه است؟

۱. فرهنگ سیاسی دانشجویان در پرتو فعالیت‌های فرهنگی (انتشار مقاله‌ها، بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها) روشنفکران در شبکه‌های اجتماعی مجازی چگونه است؟
۲. فرهنگ سیاسی دانشجویان در پرتو فعالیت‌های اجتماعی (ارتباطات و تعامل‌های اجتماعی) روشنفکران در شبکه‌های اجتماعی مجازی چگونه است؟

۲. مبانی نظری

در پژوهش‌های کیفی از مفاهیمی چون «چارچوب مفهومی» یا «چارچوب تفسیری» استفاده می‌شود. وظیفه اصلی پدیدارشناسی اجتماعی این است که به این جنبه مردمی که حاصل شعور عام یا مشترک و گرایش طبیعی آنها است بپردازد تا روشن شود که چگونه واقعیت‌های اجتماعی توسط مردم ساخته و پرداخته می‌شود و این همان جریان میان ذهنی در پدیدارشناسی است. بدین‌گونه پدیدارشناسی اجتماعی دو وظیفه برعهده دارد: یکی توصیف و تصویر پدیده اجتماعی چنان که مردم در برخورد طبیعی خود آن را حس و تجربه می‌کنند، دیگر نشان دادن اینکه چگونه این پدیده در جریان فعالیت میان ذهنی در آگاهی مردم پدید می‌آید. به عبارت دیگر بنیادی‌ترین و نخستین اصل پدیدارشناسی این است که باید به «خود چیزها» روی آورد. از این‌رو برای پژوهشگر ضروری است تا بتواند خود را به جای کنشگر اجتماعی بگذارد و با درک معانی ذهنی مورد استفاده آنان کنش‌های آنها را بفهمد و به نوعی عینیت دست یابد (ژیان‌پور، ۱۳۹۴: ۱۷۸-۱۷۶).

همان‌گونه که از مباحث مطرح شده بر می‌آید تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی در زندگی روزانه شهروندان، محدود به تقویت یا تغییر نگرش‌ها و رفتارها نیست، بلکه می‌تواند منجر به کسب ارزش‌ها و نگرش‌ها و الگوهای رفتاری و اجتماعی شود که از آن به آثار اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی و به عبارتی کلی‌تر فضای مجازی تعبیر می‌کنند. روابط اجتماعی یکی از مهمترین مقوله‌ها و کنش‌هایی است که تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی قرار دارد.

دیدگاه هابرماس درباره روشنفکر و وظیفه روشنفکری، با اصول فلسفه او پیوندی نزدیک دارد. بنابراین با نظر فوکو یکسان نیست هابرماس می‌کوشد درک درست از وظیفه روشنفکر را ارزیابی انتقادی سه الگوی مختلف دربارهٔ وظیفهٔ روشنفکر استخراج کند که عبارت‌اند از:

۱. **الگوی اول؛ نویسنده غیرسیاسی و محقق برج عاج نشین:** این روشنفکر درگیر شدن در سیاست را دون شأن خود می‌داند و اندیشیدن به مسائل سیاسی را آلوده کردن ادبیات می‌انگارد. به عقیده این‌گونه روشنفکران سیاسی کردن ادب، هنر و ... جز فداکردن خلاقیت فرهنگی معنایی ندارد. هابرماس برای این نوع روشنفکر مثال از: هرمان هسه و کارل یاسپرس مثال می‌زند؛

۲. **الگوی دوم؛ سیاستمدار حرفه‌ای:** این الگو قابل قبول کسانی مانند وبر است که سیاست را مانند هر حرفه دیگری کار متخصصان و خبرگان می‌دانند. از این دید دخالت نویسنده و هنرمند (در مقام روشنفکر) در سیاست یعنی تجاوز به حریمی که باید برای سیاستمدار حرفه‌ای حفظ شود؛

قضاوت سیاسی و فعالیت سیاسی فقط باید به دست سیاستمداران ورزیده سپرده شود. درگیری روشنفکر در کار سیاست و علاقه او به این کار از مقتضیات حرفه ای اوست و بس.

۳. **الگوی سوم؛ روشنفکر حزبی:** این روشنفکر وظیفه خود را دفاع بی شرط از هدف‌های حزب یا دست کم آن دسته از جنبش‌های سیاسی می‌داند که دارای هدف‌های روشن انقلابی یا مترقی است. این برداشت از روشنفکر و تعهد سیاسی او، حضور و تأثیرگذاری روشنفکر در قلمرو عمومی را با به دست گرفتن قدرت سیاسی یکی می‌داند. تعبیر لنین و لوکاچ از انقلابی حرفه‌ای و روشنفکر طبقه کارگر به این الگو تعلق دارد. به گمان هابرماس هر یک از این سه الگو بیانگر حقیقتی است اما هیچ یک مناسب نقش روشنفکر در جهان مدرن نیست.

به اعتقاد هابرماس مشکل الگوی اول و دوم این است که مفهوم قلمرو عمومی یعنی تنها فضایی که روشنفکر در آن می‌تواند نقش واقعی خود را بازی کند انکار می‌شود. پس تعهد اخلاقی - سیاسی هنرمند و روشنفکر لزوماً به معنای رهاکردن مسئولیت حرفه‌ای یا غرق شدن در فعالیت سیاسی نیست. بدون تردید هنر و تحقیق قلمروهای خود فرمانند، بی آن که یکسره به متخصصان مربوط تعلق داشته باشند. شکل‌گیری «اراده‌ی همگانی» در جامعه نیز قطعاً به

نظامی که زیر سلطه سیاستمداران حرفه‌ای است مرتبط است ولی زیر سلطه انحصاری آنها نیست. هابرماس، هاینریش هاینه، شاعر بزرگ آلمانی را نمونه کلاسیک هنرمندی می‌داند که می‌کوشد بدون فداکردن ارزش‌های زیبایی شناسانه شعر به تعهد اخلاق - سیاسی شاعر پایبند بماند. هابرماس سه الگوی فوق را نقد می‌کند و به الگوی چهارم می‌رسد که یک نمونه برجسته آن خود هاینه است و نمونه‌های دیگر آن از زولا تا سارتر را در بر می‌گیرد. به نظر می‌رسد که این نوع روشنفکر همان روشنفکر عام است که مورد انتقاد فوکو قرار می‌گیرد. به عقیده هابرماس الگوی چهارم، الگوی مناسب برای جامعه دمکراتیک مدرن است. اگر ویژگی جامعه دمکراتیک مدرن وجود قلمرو عمومی برای تصمیم‌گیری درباره پرسش‌های مورد علاقه همگان و رسیدن به گونه‌های توافق در جامعه برای منافع مشترک باشد، نقش روشنفکر در این میان اساسی است. مسئله مرکزی قلمرو عمومی یعنی عدالت، پرسش تخصصی هیچ رشته علمی ویژه‌ای نیست. هابرماس، در تأیید (بخشی از) فوکو معتقد است که بحث مفهومی محض درباره عدالت است. به این دلیل او شرکت دانشمندان رشته‌های علمی مختلف در بحث پیرامون پرسش‌های اخلاقی - سیاسی را ضروری و نقش آنها را برای رسیدن به پاسخ‌های درست‌تر و قابل اعتمادتر به اینگونه پرسش‌ها اساسی می‌داند. به گمان هابرماس وظیفه روشنفکر استفاده از وسایل حرفه‌ای خود برای شرکت در مسائل مورد علاقه‌ی همگان است. هابرماس و فوکو هر دو در رد الگوهای روشنفکر حزبی و روشنفکر برج عاج نشین توافق دارند؛ اما فوکو معتقد است که در دنیای ما تعبیر هابرماس از روشنفکری که در قلمرو عمومی نقش اساسی دارد (روشنفکر عام) از اعتبار افتاده است (شیخی، ۱۳۸۸: ۳۱۱).

به این دلیل که آلمون و وربا به‌طور کامل به بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی به‌ویژه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی همچون اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی بر شکل‌گیری فرهنگ سیاسی نپرداخته‌اند، ضروری است برای فهم بهتر تأثیر رسانه‌های مختلف (داخلی و خارجی) بر مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جوامع، این نظریه را با نظریه گیدنز ترکیب کنیم. در نظریه آلموند و وربا، رسانه‌های جمعی می‌توانند به عنوان یکی از عاملان جامعه‌پذیری سیاسی به انتقال ارزش‌ها، باورها و احساسات سیاسی یا فرهنگ سیاسی یک جامعه به افراد آن جامعه ایفای نقش کنند؛ اگرچه در نظر آنها هرکدام از این مولفه‌های فرهنگ سیاسی در برابر عامل جامعه‌پذیری سیاسی به میزان متفاوتی تغییر می‌پذیرد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت انتقال فرهنگ سیاسی به افراد جامعه بدان معنا نیست که افراد، بی‌چون و چرا این ارزش‌ها و

باورهای سیاسی را می‌پذیرند. گیدنز نیز با در نظر گرفتن ماهیت رسانه‌های مختلف و همچنین میزان تأثیرپذیری افراد از این رسانه‌ها به تبیین جامع‌تری درباره اثرگذاری رسانه‌های جمعی بر فرهنگ سیاسی می‌پردازد. در نظر وی، رسانه‌های قدیمی چون رادیو و تلویزیون که در انحصار دولت‌ها و حکومت مرکزی قرار دارند، فضای بازاندیشی و انتقاد و مشارکت محدودی را برای عموم مردم فراهم می‌سازند؛ اما با ظهور رسانه‌های نوینی همچون اینترنت این امکان فراهم می‌آید تا افراد به مقایسه، بازاندیشی و انتقاد از مسائل مختلف به‌ویژه مسائل سیاسی بپردازند. حتی افراد می‌توانند از طریق این رسانه‌ها، ایدئولوژی‌های سیاسی حاکم را که پیش از این از طریق رسانه‌ها انتقال می‌یافت، زیر سؤال برند (ادیبی سده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴).

از دید آلموند و پاول مهمترین سطوح فرهنگ سیاسی عبارت‌اند از:

سطوح سیستمی: مهمترین متغیرهای تشکیل دهنده در این سطح عبارت‌اند از: نوع باورها و ارزش‌های سیاسی، نوع تلقی از مشروعیت نظام سیاسی، میزان آگاهی سیاسی، نوع تلقی از رابطه حکومت و جامعه و شهروندان. لازم به ذکر است که این سطح و سطوح ذیل در قالب فرهنگ تابعی و مشارکتی یا دموکراتیک طرح می‌شوند؛

سطح فرایندی: در این سطح متغیرهایی همچون نوع مشارکت (فعالانه، منفعلانه و عدم مشارکت سیاسی) و میزان علاقه‌مندی به مشارکت در قالب فردی یا نهادی - انجمنی مطرح هستند؛

سطح سیاستگذاری: در این سطح، نوع، ماهیت و اولویت‌گذاری در تقاضاهای شهروندان از حکومت مطرح است که عبارت‌اند از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، حقوق شهروندی، امنیت اجتماعی، رفاه، اشتغال و مانند آن (سردارنیا و یوسفی، ۱۳۹۵: ۱۲).

۴. روش پژوهش

پدیدارشناسی از واژه یونانی فنومو به معنی آشکار گرفته شده است، به معنی مطالعه فلسفی ساختار تجربه‌های ذهنی و خودآگاهی است، یک جنبش گسترده فلسفی است که در اوایل قرن بیستم توسط ادموند هوسرل^۱ تأسیس و توسط پیروانش در دانشگاه‌های گوتینگن و مونیخ در آلمان گسترش یافت سپس به فرانسه، ایالات متحده و دیگر نقاط دنیا گسترش پیدا کرد. پدیدارشناسی منحصراً به ساختارها و فعالیت‌های آگاهی بشر می‌پردازد و پیش فرض اصلی آن

1. Edmund Husserl

این است که دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم در آگاهی ما خلق شده است و دنیای خارج با اینکه وجود خارجی دارد از طریق آگاهی ما معنا پیدا می‌کند. مفهوم آگاهی در پدیدارشناسی هوسرل آگاهی به چیزی است که شامل فرایند آگاه بودن و موضوع آگاهی است. این فرایند به صور گوناگون مانند به ذهن پرسیدن، درک کردن، فهمیدن، و ارزیابی کردن ظاهر می‌شود. دارتینگ^۱ معتقد است پدیدارشناسی مطالعه یا شناخت پدیدار است، چون هر چیزی که ظاهر می‌شود، پدیدار است. او می‌گوید قلمرو پدیدارشناسی در عمل نامحدود است و نمی‌توان آن را در محدوده علم خاصی قرار داد. از طرف دیگر، پدیدارشناسان اغلب در جستجوی فهم جامعه معاصر، به همان صورتی که هست و بنا شده است، هستند. به طور کلی از نظر پدیدارشناس، ساخت یک جامعه عبارتست از اصول مرتبط به هم یا رشته‌هایی از اصول پیوسته و شمار زیادی از معانی اجتماعی که در سطوح متفاوت وجود داشته و عمل می‌کنند. به نظر شوتز گرایش طبیعی و ساده در زندگی روزمره، اموری را که با آن سروکار دارند تفسیر کنند و به آنها معنا بخشند و آنها را مسلم و انکار ناپذیر بدانند. وظیفه اصلی پدیدارشناسی اجتماعی این است که به این جنبه مردمی که حاصل شعور عام یا مشترک و گرایش طبیعی آنها است بپردازد تا روشن شود که چگونه واقعیت‌های اجتماعی توسط مردم ساخته و پرداخته می‌شود و این همان جریان میان ذهنی در پدیدارشناسی است. بدین‌گونه پدیدارشناسی اجتماعی دو وظیفه برعهده دارد: یکی توصیف و تصویر پدیده اجتماعی چنانکه مردم در برخورد طبیعی خود آن را حس و تجربه می‌کنند، دیگر نشان دادن اینکه چگونه این پدیده در جریان فعالیت میان ذهنی در آگاهی مردم پدید می‌آید. در واقع بنیادی‌ترین و نخستین اصل پدیدارشناسی این است که باید به «خود چیزها» روی آورد. از این‌رو برای پژوهشگر ضروری است تا بتواند خود را به جای کنشگر اجتماعی بگذارد و با درک معانی ذهنی مورد استفاده آنان کنش‌های آنها را بفهمد و به نوعی عینیت دست یابد (ژیان‌پور، ۱۳۹۴: ۱۷۸-۱۷۶).

پژوهش پیش‌رو از نظر اهداف، کاربردی، از نظر ماهیت و نوع مطالعه در زمره پژوهش‌های کیفی و در زمره مطالعات تفسیری است که با بهره‌گیری از راهبرد پژوهش پدیدارشناسی درصدد تبیین و تفسیر جوهره تجربه زیسته از پدیده فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی روشنفکران در شبکه‌های اجتماعی مجازی و شناخت عمیق این پدیده بر فرهنگ سیاسی دانشجویان است. در

1. Dartigues

پژوهش پیش‌رو، وظیفه پژوهشگر، تلاش برای بررسی فرهنگ سیاسی دانشجویان و با آگاهی از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی روشنفکران در شبکه‌های اجتماعی مجازی، فارغ از مفروضات پیشین است؛ از این‌رو باید از شهود بی‌واسطه استفاده کرد، بدون آنکه پیش فرضی داشت. نخستین پیش فرضی که در این حال باید به کنار نهاد «دیدگاه طبیعی» است دیدگاه طبیعی به‌طور خلاصه عبارت است از این فرض متعارف که جهان خارج و مستقل از آگاهی من همچنان است که آنجاست. همین حکم به وجود عالم خارج است که در آغاز باید در پراتنز شک قرارگیرد و تعلیق شود چون این دیدگاه تعلیق شود، آنچه باقی می‌ماند تجزیه و آگاهی «من» است؛ یعنی نخست، دیگر امر واقع، محل بحث نیست، بلکه آگاهی و تجربه، موضوع خود را می‌یابد. دوم، «من» رهیافت طبیعی به حیات روانی محض تقلیل می‌یابد یعنی در قلمرو و تحویل پدیدارشناسانه، «من» دیگر همچون موجودی واقعی - خارجی تلقی نمی‌شود بلکه «من» مرکز و کانون فعالیت‌های التفاتی است (آیت‌اللهی، ۱۳۸۲).

به عبارت دیگر پدیدارشناسی سیستمی از تفسیر است که به ما کمک می‌کند تا خود، روابط خود با دیگران و هر چیز که در قلمرو تجربیات زندگی قرار می‌گیرد درک نماییم. داده‌های کلامی افرادی که آن پدیده خاص را تجربه کرده‌اند غنی‌ترین و توصیف کننده‌ترین اطلاعات را فراهم می‌آورد.

به‌زعم پژوهشگر هدف و نقش محقق در روش پدیدارشناسی رسیدن به تجربه شرکت‌کنندگان و دیدن آن چیزی است که آنها می‌بینند. در این زمینه، محقق و شرکت‌کنندگان تحقیق، همکاران تحقیق هستند. بهتر است که محقق به عنوان نوعی وسیله یا تسهیل کننده در این فرایند، در نظر گرفته شود. محقق، گفتارها را با اندک تفسیر مجدد یا تجدید شکل، اعلام می‌دارد. برای دست یافتن به دیدگاه دانشجویان از رویکردهای پژوهش کیفی و روش پدیدارشناسی استفاده شد. هدف این علم، شناخت مسائل انسان و جهان از دریچه چشم و ذهن انسان بوده و براین باور است که دانش مطمئن از راه تجربه ذهن، فکر و احساس بدست می‌آید. هدف اساسی پدیدارشناسی، تقلیل تجارب فردی به پدیدهای است که توصیف ماهوی آن به لحاظ جهانی و عمومی ممکن باشد. در این راستا، هدف عبارت است از دستیابی به ماهیت واقعی امور تحت بررسی. به عبارت دیگر در روش پدیدارشناسی، محقق به دنبال جمع‌آوری اطلاعات از اشخاصی است که پدیده‌ای را تجربه کرده‌اند تا بتوانند براساس آن اطلاعات به توصیف مرکبی از ماهیت آن تجربه از نظر آن افراد برسند. در این توصیف، شیوه تجربه و آنچه این افراد تجربه می‌کنند،

ارائه می‌شود. در این تحقیق توجه به دیدگاه دانشجویان و نگاه به جهان و مسائل از منظرشان ضروری است. نگاه از منظر دانشجویان یعنی در نظر گرفتن تمامی عواطف، نگرش‌ها و خواست‌های آنان. در این راستا مطالعات پدیدارشناسی نیز عموماً با ادراک، مفاهیم نگرش و عقاید، احساسات و عواطف افراد سروکار دارند. در این رویکرد با استفاده از مصاحبه یا آنچه محقق طراحی می‌کند، می‌توان تجارب افراد از پدیده‌های ویژه را استخراج کرد. به عبارت دیگر پدیدارشناسی سیستمی از تفسیر است که به ما کمک می‌کند تا خود، روابط خود با دیگران و هر چیز که در قلمرو تجربیات زندگی قرار می‌گیرد درک نماییم. داده‌های کلامی افرادی که آن پدیده خاص را تجربه کرده‌اند غنی‌ترین و توصیف‌کننده‌ترین اطلاعات را فراهم می‌آورد.

در این پژوهش از شش مرحله رویکرد پدیدارشناسی تفسیری «وان مانن»^۱ استفاده شد. این رویکرد شامل مراحل زیر است:

- **روی آوری به ماهیت تجربه؛** تمام توصیف‌های ارائه شده توسط شرکت‌کنندگان در مورد تجربه آنها از فرهنگ سیاسی در پرتو فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی روشنفکران در فضای مجازی بدست آمد؛
- **بررسی تجربه؛** از میان داده‌های گردآوری شده جملات مهمی در رابطه با تجربه فرهنگ سیاسی دانشجویان در پرتو فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی روشنفکران در شبکه‌های اجتماعی مجازی استخراج شد؛
- **تأمل بر درون‌مایه‌های ذاتی پدیده؛** پی بردن به معنای جملات مهم در مورد فرهنگ سیاسی دانشجویان؛
- **نوشتن و بازنویسی تفسیری؛** تلفیق نتایج در قالب یک توصیف جامعه از تجربه دانشجویان؛
- **حفظ ارتباط قوی جهت‌دار با پدیده؛** قراردادن عانی فرموله شده و مرتبط به هم در خوشه‌هایی از تم‌های درباره تجربه دانشجویان؛
- **مطابقت بافت مطالعه با در نظر گرفتن اجزاء وکل؛** فرموله کردن توصیف جامع پدیده به صورت یک بیانیه صریح از ساختار اساسی تجربه دانشجویان.

۵. جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری پژوهش

در روش کیفی فرمولی برای محاسبه حجم نمونه وجود ندارد و مصاحبه تا زمانی رسیدن به حد کفایت نظری ادامه پیدا می‌کند (نیومن، ۱۳۸۹). نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی بسیار متفاوت از پژوهش‌های کمی است، زیرا هدف آن به جای تعمیم یافته‌ها کسب درک عمیق از پدیده مورد بررسی است.

در پژوهش پیش‌رو، شرکت‌کنندگان (تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران)، به علت اینکه این واحد تمام رشته‌ها را در مقطع تحصیلات تکمیلی دارا است انتخاب شد. بر اساس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند، که از نوع نمونه‌برداری قضاوتی است؛ به بیان دیگر، افرادی انتخاب شدند که بهترین شرایط را برای عرضه اطلاعات مورد نیاز داشتند و شخصاً فرایندها و مسائل مورد نظر را تجربه نموده بودند و وجه مشترک تمامی افراد منتخب دانشجویانی بودند که فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی روشنفکر آن را در شبکه‌های مجازی مطالعه می‌کردند اما سایر ویژگی‌های نمونه‌ها این بود که نخست، همه این دانشجویان مدت عضویت در کانال‌ها و صفحات بیش از یک سال بود. دوم، تمام این دانشجویان در زمینه سیاسی فعالیت داشتند. نکته دیگر این بود که همه این دانشجویان تمایل به شرکت در پژوهش را ابراز و اظهار کردند که استفاده از تجاربشان به عنوان مأخذ اطلاعات را با کمال میل می‌پذیرند. تعداد مصاحبه‌ها تا زمان اشباع اطلاعاتی ادامه یافت. اشباع اطلاعاتی از تکراری بودن نشئت می‌گیرد بدین معنی که دیگر، داده جدیدی از مصاحبه‌ها به دست نمی‌آید و داده‌ها، تکراری می‌شود. در پژوهش پیش‌رو با توجه به ماهیت کیفی، لزومی به مشخص کردن تعداد نمونه به صورت پیش فرض وجود نداشته است و تکرار داده‌های جمع شده قبل، مشخص کننده تعداد نمونه‌هاست. به عبارت دیگر، اشباع اطلاعاتی ملاک خاتمه نمونه‌گیری است. در پژوهش پیش‌رو با ۲۱ نفر مصاحبه شد چراکه داده‌های گرد آمده، تکرار شد. نکته مهم این است که با توجه به محدودیت تعداد نمونه و غیرتصادفی بودن نمونه‌ها (که از ویژگی‌های پژوهش‌های کیفی است) پژوهش پیش‌رو و مواردی از این قبیل، ادعای تعمیم پذیری ندارد.

۶. ابزار گردآوری داده‌ها

روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه بود که معمول‌ترین روش در مطالعات کیفی است. مصاحبه‌ها انفرادی بود. مدت هر مصاحبه ۱۵ دقیقه تا ۲۰ دقیقه بود. پس از نخستین مصاحبه و دست‌نویس کردن اطلاعات، مطالب از نظر نامفهوم بودن بررسی شد. نوبت دوم مصاحبه به منظور عودت

داده‌ها به شرکت‌کنندگان و روشن کردن نکات مبهم گفته‌های قبلی ترتیب داده شد. مصاحبه‌ها ضبط و در اسرع وقت دست نویس و کدگذاری شدند تا بازخورد لازم برای کفایت و اشباع داده‌ها را فراهم نمایند. مصاحبه‌ها تا اشباع داده‌ها که به معنی تکرار داده‌ها است، ادامه یافت. در مجموع ۲۱ مصاحبه اجرا شد.

تحلیل درون‌مایه‌ایی نیز به صورت جدا کردن درون‌مایه‌های فرعی شد و از رویکرد انتخابی استفاده شد؛ به این صورت که چندبار متن خوانده یا شنیده شد و جملات و واحدهای معنادار که به نظر پژوهشگر توصیف کننده پدیده مورد نظر بود، جدا شدند. این روش منجر به جدا شدن ۶۵ عبارت، جمله و یا پاراگراف مضمونی از مصاحبه شد که با توجه به وجوه اشتراکات در قالب درون‌مایه‌ها اصلی و درون‌مایه‌های فرعی، سازماندهی صورت گرفت و سرانجام با خواندن مکرر هر مصاحبه و غوطه ور شدن پژوهشگر در مصاحبه‌ها و با تأمل بر درون‌مایه‌های ذاتی پدیده منجر به حاصل ۱۱ درون‌مایه اصلی شد. تمایز مضمون‌های اصلی به محقق اجازه داد که شرح روایی معنای فرهنگ سیاسی دانشجویان در پرتو فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی روشنفکران در شبکه‌های اجتماعی را فراهم آورد. بدین منظور از توصیفات و تفسیرهای کتبی درباره گفته‌های شرکت‌کنندگان و آوردن نمونه‌هایی از نقل قول شرکت‌کنندگان استفاده شد.

۷. یافته‌های پژوهش

در پژوهش پیش‌رو پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها ۱۱ درون‌مایه اصلی و چندین درون‌مایه فرعی بدست آمد که به تفکیک در جدول شماره (۱) توصیف و تحلیل می‌شوند.

جدول ۱. درون‌مایه‌های اصلی و فرعی در تحلیل یافته‌ها

درون‌مایه اصلی	درون‌مایه فرعی
معنا و مفهوم فرهنگ سیاسی	بینش و نگرش درباره نحوه عملکرد مردم در فضای سیاسی و حکومت باورها، فهم و درک و نگاه مردم به سیاست مشارکت در امور سیاسی رعایت اخلاق و تعاملات اجتماعی در اعمال سیاست کنش آگاهانه و ارادی یا غیرارادی حوزه سیاست حقوق افراد جامعه و اجرای قانون
آگاهی از وظایف و حقوق خود	رفتارهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی شناخت ماهیت قدرت در ایران، و مقایسه با سایر نظام‌های سیاسی مشارکت سیاسی عمل بر اساس قانون ارتقاء اطلاع و آگاهی سیاسی حساسیت درباره مسائل سیاسی

ادامه جدول ۱. درون‌مایه‌های اصلی و فرعی در تحلیل یافته‌ها

درون‌مایه اصلی	درون‌مایه فرعی
اعتماد سیاسی	اعتماد به ولایت فقیه عدم اعتماد درباره دولت اعتماد با قید و شرط
احساس آزادی درباره وظایف و حقوق سیاسی:	احساس آزادی احساس ترس از دولت و حکومت عدم احساس ترس در مورد وظایف شهروندی احساس تکلیف احساس آزادی نسبی
مشارکت در روند سیاسی (انتخابات شوراها، مجلس، ریاست جمهوری)	مشارکت فعال مشارکت نسبی و با قید و شرط عدم مشارکت
اثربخشی فعالیت‌های اجتماعی روشنفکران بر مشارکت سیاسی	اثربخشی مطلق تعامل‌ها و ارتباطات روشنفکران اثربخشی نسبی تعامل‌ها و ارتباطات بسته به شرایط موجود
مقاله‌های سیاسی، سخنرانی و بیانیه نخبگان اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی	اثربخشی مطلق مقاله‌ها و بیانیه‌ها و سخنرانی‌های روشنفکران اثربخشی نسبی مقاله‌ها و بیانیه‌ها و سخنرانی‌های روشنفکران عدم اثربخشی مقاله‌ها و بیانیه‌ها و سخنرانی‌های روشنفکران
رضایت از ترغیب، تهییج روشنفکران در انتخابات	رضایت نسبی از ترغیب، تهییج روشنفکران در انتخابات: عدم رضایت از ترغیب، تهییج روشنفکران در انتخابات
اثرپذیری از هدایت و راهنمایی روشنفکران در آینده	اثرپذیری مثبت از روشنفکران اثرپذیری نسبی از روشنفکران و عدم قطعیت عدم تأثیرپذیری از روشنفکران
انتظارها از فعالیت‌های اجتماعی سیاسی روشنفکران در فضای مجازی	ارزش نهادن به مردم سالاری و باورهای سنتی و مذهبی مردم اطلاع‌رسانی و واقع‌نمایی پرهیز از شایعه‌پراکنی و تهییج افکار عمومی نکته‌سنجی و صداقت همراهی و همدلی با عامه مردم دوری از تعصب و جانبداری
اثربخشی فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی روشنفکران بر فرهنگ سیاسی	اثربخشی فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی روشنفکران بر فرهنگ سیاسی اثربخشی نسبی فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی روشنفکران بر فرهنگ سیاسی عدم اثربخشی فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی روشنفکران بر فرهنگ سیاسی

درون‌مایه اصلی: معنا و مفهوم فرهنگ سیاسی^۱؛ فرهنگ سیاسی، بدون شک یکی از مفاهیم مناقشه‌انگیز در علوم سیاسی بوده است، به طوری که علی‌رغم گذشت نیم قرن از زمان پیدایش آن همچنان باب نظریه‌پردازی و گفتگو درباره آن، مفتوح است. حدود و ثغور یا فضای معنایی، توانایی تبیین علمی، عوامل تأثیرگذار در پیدایش، تداوم و تغییر فرهنگ سیاسی، تأثیرات آن بر ساختار، تغییر و ثبات سیاسی محورهای اصلی بحث و مناقشه در مورد این مفهوم بوده است. مصاحبه شونده شماره ۱۱، که ۲۹ ساله، و لیسانس است، این‌گونه به این مقوله اشاره کرده است: بازبینی و نگرش مردم از اوضاع و احوال سیاسی و نوع نگاه مردم به سیاست و اهمیت به سیاست؛ مصاحبه شونده شماره ۱۸ که ۳۶ ساله و فوق لیسانس است این‌گونه تجربه خود را بیان می‌کند فرهنگی متأثر از اراده و حکومت و دولت؛ فرهنگ سیاسی رویکرد و برداشت مردم جامعه و باورهای خود از حکومت و قدرت سیاسی است. مصاحبه شونده شماره ۱۵ که ۳۴ ساله، متأهل و دانشجوی کارشناسی ارشد است این مسئله را اینگونه تعبیر نموده است مفهوم فرهنگ سیاسی این است که افراد در قالب افراد سیاسی و هدفمند در مورد مسائل اعتراض و یا انتقاد داشته باشند و این‌ها در چارچوب قانون و حقوق افراد باشد اما از شورش و ... اجتناب کنند.

درون‌مایه اصلی ۲: وظایف و حقوق شهروند سیاسی؛ یکی از مشکلات امروز جامعه اطلاع نداشتن مردم درباره برخی از قوانین و لزوم اجرای آنها و همچنین آگاهی از حقوق خود است و شهروندان در زمینه قانون مداری و مشارکت اجتماعی به میزان لازم، مساعدت ندارند. به زعم پژوهشگر قانون مداری و حرکت در چارچوب قانون باید از سنین کودکی به افراد آموزش داده شود و این مشکل تنها از طریق فرهنگ سازی و آشنا کردن افراد از جمله دانشجویان با مزایای اجرای صحیح و دقیق قانون برطرف شده و تحقق آن نیز نیازمند برنامه‌ریزی کوتاه، میان و بلند مدت است. مصاحبه شونده شماره ۱ که ۲۸ ساله، متأهل و کارشناس ارشد است این مسئله را اینگونه تعبیر نموده است «هر فرد یک سری رفتارهای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی دارد ولی مهمترین آنها حسن اخلاق در هر کاری است مثلاً در هر شغلی هستیم آن را به نحو احسن اجرا کنیم و صادق باشیم.»

۱. با توجه به حجم زیاد برای هر درون‌مایه اصلی یک یا دو مورد از تجربه زیسته مصاحبه‌شوندگان ذکر شد.

درون‌مایه اصلی ۳: اعتماد سیاسی؛ اعتماد بین مردم و دولتمردان از جمله عوامل مهم و اساسی برای اداره امور مطلوب جامعه، رشد و توسعه بیشتر و تأمین نیازهای مردم کی باشد. امروزه دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند بدون داشتن حمایت افراد جامعه و پشتوانه اعتماد مردم کشور را اداره کنند و این مهم نیازمند اعتماد سیاسی است و اعتماد سیاسی به رابطه مردم و دولت می‌پردازد. مصاحبه شونده شماره ۸ که ۳۷ ساله، مجرد و دانشجوی دکترا است تجربه خود را اینگونه بیان می‌کند خیر- کارکرد دولت ایدئولوژیک حفظ نظام و ارزش‌های ایدئولوژیک است. از این‌رو نظام سیاسی فوق را نمی‌توان دولت نامید و نفی حقوق ویژگی‌های شهروندی ویژگی نظام ایدئولوژیست است.

درون‌مایه اصلی ۴: احساس آزادی درباره وظایف و حقوق سیاسی؛ حقوق شهروندی، امری بدیهی است و باید از حقوق شهروندان دفاع کرد؛ اما در عین حال، می‌بایست به واقعیت‌های اجتماعی جامعه نگریست و متوجه بود که هنوز افراد جامعه درمورد حقوق شهروندی خود آگاهی ندارند و در بخش‌هایی از جامعه، این احساس وجود دارد که افراد درمورد وظایف شهروندی خود آگاهی ندارند و بعضاً از حقوق سیاسی خود مطلع نیستند. حقوق سیاسی به عبارت دیگر حقوقی است که آزادی افراد جامعه را در برابر نقض شدن غیر موجه توسط دولتمردان و سازمان‌های خصوصی حفاظت نموده و قابلیت افراد جامعه را برای مشارکت در زندگی سیاسی بدون سرکوب و خفقان سیاسی فراهم می‌کند. مصاحبه شونده شماره ۱ که ۲۸ ساله، متاهل و کارشناس ارشد است این مسئله را اینگونه تعبیر نموده است «نه احساس ترس ندارم وقتی به نظامت اعتماد داری مسلماً احساس ترس نداری بلکه احساس آزادی می‌کنی». مصاحبه شونده شماره ۲۰ که ۴۳ ساله، متاهل و دانشجوی کارشناسی ارشد است اینگونه به تجربه خود را بیان می‌کند: احساس ترس ندارم ولی به نتیجه انتقاد و بیان دیدگاه‌ها نیز آمیدی وجود ندارد، احساس آزادی مطلق نیست و کمی وجود دارد و محدوده‌ی کمبود احساس آزادی نیز کمبود احساسی است که مجریان قانون و عوامل حاکمیتی بیش از آنچه قانون مقرر داشته و حوزه وسیع‌تر از ممنوعیت در قانون برای افراد مضایقه ایجاد می‌کند.

درون‌مایه اصلی ۵: مشارکت در روند سیاسی (انتخابات شوراها، مجلس، ریاست جمهوری)؛ مشارکت در انتخابات تنها یکی از سازوکارهای مشارکت در روند سیاسی تلقی می‌گردد و ارزیابی میزان تأثیرگذاری و نقش مردم بسیار حائز اهمیت است. شهروندان در دوران جدید در فرایند انتخابات شوراها، مجلس، ریاست جمهوری مشارکت دارند و مشارکت را یک هنجار می‌دانند و

همچنین مشارکت را جزئی مسئولیت‌های شهروندی خود می‌دانند. مشارکت مردم در انتخابات شوراهای، مجلس، ریاست جمهوری تأثیرگذاری زیادی در تمام سطوح فرایندهای سیاسی دارد. مصاحبه شونده شماره ۱۶ که ۳۲ ساله، مجرد و دانشجوی دکترا است اینگونه تجربه خود را بیان نموده است آنجایی که احساس کردم اگر کاری اجرا نکنم به خودم و مردم ظلم می‌کنم دست به کار شدم و از طریق شفاهی و فضای مجازی اطلاعاتم را صادقانه با اطرافیانم در میان گذاشتم و آنها را به انتخاب راه درست تشویق کردم. مصاحبه شونده شماره ۸ که ۳۷ ساله، مجرد و دانشجوی دکترا است این مسئله را اینگونه تعبیر نموده است در گذشته شرکت می‌کردم ولی در آینده خیر.

درون‌مایه اصلی ۶: اثربخشی فعالیت‌های اجتماعی روشنفکران بر مشارکت سیاسی؛ روشنفکری و مشارکت سیاست پیوندی تنگاتنگ و دیرینه را با یکدیگر دارند. فرض پژوهشگر این است که عملکرد روشنفکران سبب تقویت مشارکت سیاسی، شرکت در انتخابات، ارتقای فرهنگ سیاسی، حاکمیت قانون، آزادی مطبوعات و سایر مواردی از این قبیل می‌شود چراکه تقویت مشارکت سیاسی یکی از اصول توسعه سیاسی در کلیه جوامع و در دوران معاصر است. مصاحبه شونده شماره ۱ که ۲۸ ساله، متأهل و کارشناس ارشد است این مسئله را اینگونه تعبیر نموده است بله خیلی زیاد به نظر من پول و قدرت می‌تواند تأثیر زیادی در روند جامعه داشته باشد اما متأسفانه کسانی که این ابزار را در دست دارند به نفع خود استفاده می‌کنند نه در جهت منافع مردم. و شبکه‌های اجتماعی زیر مجموعه از رسانه هستند با این تفاوت که در جهت دادن به یک گرایش خاص، هر گروه آزادانه می‌تواند فعالیت کند.

درون‌مایه اصلی ۷: مقاله‌های سیاسی، سخنرانی و بیانیه نخبگان اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی؛ به‌زعم پژوهشگر نخبگان اجتماعی کسانی هستند که قادرند در جوامع و بر دستاوردهای سیاسی به‌طور منظم و اساسی تأثیرگذار باشند. بنابراین می‌توان اذعان داشت که قدرت تأثیرگذاری اساسی و منظم از ویژگی‌های اصلی نخبگان اجتماعی است که آنها را از شهروندان عادی جامعه متمایز می‌کند. در حقیقت، نخبگان اجتماعی افرادی هستند که توانایی بالایی برای مواجهه با مشکلات سیاسی واقعی و مستمر در یک جامعه را دارند و می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های سیاسی افراد جامعه مؤثر واقع شوند. مصاحبه شونده شماره ۲۰ که ۴۳ ساله، متأهل و دانشجوی کارشناسی ارشد است تجربه زیسته خود را اینگونه بیان می‌کند بله به نظرم تأثیر بسیار زیادی دارد چون انسان‌ها از دیده‌ها و شنیده‌هایشان تأثیر می‌گیرند روشنفکران که

دیگر جای خود دارد. مصاحبه شونده شماره ۹ که ۳۵ ساله، مجرد و دانشجوی کارشناسی ارشد است این مسئله را این‌گونه تعبیر نموده است تا حدودی، بعد از بررسی گرایش‌های مختلف سیاسی تصمیم می‌گیرم. روشنفکران در شبکه‌های اجتماعی نظرها خود را در هر لحظه از شبانه روز به اشتراک می‌گذارند و این خود عین تأثیرگذاری بر ذهن مخاطبان است.

درون‌مایه اصلی ۸: رضایت از ترغیب، تهییج روشنفکران در انتخابات؛ روشنفکران طبقه تحصیلکرده جامعه هستند که با دغدغه‌های انسانی، اجتماعی، ارزشی، فرهنگی و سیاسی اقدام به موضع‌گیری در مباحث و مسائل حساس و مهم جامعه خویش و جامعه جهانی می‌کنند. در این میان، انتخابات یکی از مؤلفه‌های بسیار اساسی دموکراسی است، طوری که دموکراسی بدون انتخابات را نمی‌توان تصور کرد و روشنفکران واقعی نیز به دنبال ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر دموکراسی هستند. انتخابات نیز حلقه ناگسستگی دموکراسی و عرصه فعالیت روشنفکران است. از این رو در این راستا مصاحبه شونده شماره ۵ که ۳۵ ساله، متأهل و دانشجوی دکترا است این مسئله را این‌گونه تعبیر نموده است که بله به هر حال روشنفکران جهت دهنده حرکت‌های اجتماعی هستند اما با توجه به اینکه روشنفکران در ایران دارای تعاریف مختلفی هستند و براساس اهداف مختلف حرکت می‌کنند دیدگاه بنده به روشنفکران با توجه به آگاهی بخشی حتی با وجود عقیده مخالف مثبت ارزیابی می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۱۳ که ۴۱ ساله، متأهل و دانشجوی دکترا است تجربه زیسته خود را این‌گونه بیان می‌کند: بله کم و بیش رضایت دارم گاهی این ترغیب‌ها جواب می‌دهد اما نه همیشه.

درون‌مایه اصلی ۹: اثرپذیری از هدایت و راهنمایی روشنفکران در آینده؛ به‌زعم پژوهشگر روشنفکری، حرکتی است در میان سنت و مدرنیته و از ایجاد شکاف میان سنت و مدرنیته است که اساساً زاده شده است. ویژگی‌های روشنفکری چهره‌ای فرهنگی و اجتماعی را ترسیم می‌کنند که به‌طور طبیعی، متعهد، دارای دغدغه و در جستجوی نقش و کارکرد روشنگرانه در زمان حال و آینده است. روشنفکران بیش از اینکه دغدغه امور حال و جاری جامعه را داشته باشند درگیر و دار و کشاکش مسائل آینده می‌باشند اما اینکه تا چه اندازه بر جریان‌ات مختلف مؤثر واقع شوند جای بحث و بررسی دارد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ که ۳۴ ساله، متأهل و دانشجوی کارشناسی ارشد است این مسئله را این‌گونه تعبیر نموده است بله حتماً شرکت می‌کنم این جزئی از وظیفه من به عنوان یک ایرانی است. معتقدم دست روشنفکران در شبکه‌های اجتماعی باز است و آنها به راحتی می‌توانند بیانی‌های را در این فضا انتشار دهند تا ذهن مخاطب آن را جهت دهد و من نیز

به نوبه خود از این فرایند تأثیر می‌پذیرم. مصاحبه‌شونده شماره ۲۰ که ۴۳ ساله، متأهل و دانشجوی کارشناسی ارشد است تجربه خود را این‌گونه توصیف می‌کند خیر، با تجربه ناموفقی که در این شیوه به دست آمده تنها براساس تشخیص شخصی و عقلانی خود و تطبیق آن با معیارها و در امر انتخاب صورت خواهد گرفت.

درون‌مایه اصلی ۱۰: انتظارات از فعالیتهای اجتماعی سیاسی روشنفکران در فضای مجازی؛ فضای مجازی مجالی در اختیار روشنفکران قرار داده تا سخنان خود را بیان کنند و این سخنان در ابعاد گسترده‌تری پخش شود. با گسترش رسانه‌های جدید و فراگیر شدن فضای مجازی این امکان برای روشنفکران نیز پدید آمده است که به صورت مستقیم و بی‌واسطه با مخاطبان‌شان ارتباط پیدا کنند. این ارتباط مستقیم و رویارو ضمن آنکه فرصت انتقال سریع و بی‌واسطه آخرین بیانیتهای روشنفکران به مخاطبان را فراهم آورده، این امکان را پدید آورده است که روشنفکران بتوانند درباره مسائل روز و آخرین وقایع و اتفاقات واکنش نشان دهند، اما انتظارات از فعالیتهای اجتماعی سیاسی روشنفکران در فضای مجازی می‌تواند گوناگون باشد. مصاحبه‌شونده شماره ۲۱ که ۵۲ ساله، متأهل و دانشجوی کارشناسی ارشد است این مسئله را این‌گونه تعبیر نموده است فعالیتهای اجتماعی و سیاسی روشنفکران براساس صداقت و درستی باشد نباید این افراد ذهن و احساس مردم را به بازی و به نفع حزب خاصی بگیرند.

درون‌مایه اصلی ۱۱: اثربخشی فعالیتهای اجتماعی فرهنگی روشنفکران بر فرهنگ سیاسی؛ به زعم پژوهشگر روشنفکر باید بیانگر واقعیت‌ها و حامی فرهنگ و گفتمان اجتماعی باشد و روشنفکران همواره با استفاده از سلاح علم و معرفت، در مقابله با خیانتکاران و مستبدان خودکامه قرار داشته و تمام توان خود را در خدمت جامعه قرار می‌دهند. وظیفه روشنفکران، بررسی انتقادی ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، تدارک شرایط و زمینه‌ها برای رسیدن به یک جامعه مدرن است و روشنفکران باید نقش آگاهی‌بخش یا روشنگر را در جامعه ایفاء کنند. روشنفکر از طریق یک رشته ابزارها، مانند فضای مجازی با جامعه ارتباط دارد و از این طریق می‌تواند در راستای فرهنگ سیاسی افراد جامعه فعالیت نماید. اما اثربخشی این فعالیت‌ها در فرهنگ سیاسی جای بحث و بررسی دارد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ که ۳۰ ساله، مجرد و دانشجوی کارشناسی است این مسئله را این‌گونه تعبیر نموده است بله حتما تأثیر می‌گذارد فرهنگ سیاسی مردم را همین روشنفکران هستند که شکل می‌دهند مثل آقای زیباکلام که بنده خیلی قبول‌شان دارم و طبیعتاً

هر کسی با هر زمینه فکری به سمت روشنفکر خاصی گرایش دارد که فرهنگ سیاسی او را جهت می‌دهد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ که ۳۹ ساله، متأهل و دانشجوی کارشناسی ارشد است تجربه خود را این‌گونه توصیف می‌کند: نه به نظر من روشنفکری در ایران جوابگو نیست روشنفکران در جوامع مدرن بیشتر اثربخشی دارند تا کشور ما اینجا ما روشنفکر نداریم ما حزب و جناح بازی‌های مختلف داریم که دنبال منافع شخصی و حزبی خود هستند.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

دانشجویان مورد بررسی به سه دسته از فرهنگ سیاسی تقسیم‌بندی شده‌اند. فرهنگ سیاسی مشارکتی، محدود و تبعی. می‌توان اینگونه اذعان نمود که رفتار انسان‌ها نتیجه ارزش‌ها، نگرش‌ها و گرایش‌های افراد است و با توجه به تعریف آلموند فرهنگ سیاسی هم تحت تأثیر این مولفه‌ها قرار دارد و از این‌رو در این میان با سه گروه مجزا از دانشجویان مواجه بوده‌ایم. در فرهنگ سیاسی تبعی، دانشجویان خودشان را نه به عنوان شرکت‌کنندگان در فرایند سیاسی بلکه به‌عنوان اتباع حکومت در نظر می‌گیرند و از این‌رو آنها بیش از آنکه به سمت و سوی فرهنگ سیاسی تبعی گرایش داشته باشند به سمت فرهنگ سیاسی تبعی سوق پیدا خواهند کرد.

در فرهنگ سیاسی محدود نیز هیچ نقش سیاسی تخصصی وجود ندارد. دانشجویان انتظاری از نظام سیاسی ندارند و احساساتشان در مورد حکومت مرکزی نامشخص و منفی است. همچنین آنها خود را به‌عنوان یک کنشگر سیاسی موثر نمی‌دانند.

گونه دیگر فرهنگ سیاسی مشارکتی است ایده اصلی آلموند و وربا نیز این بود که در جوامعی که فرهنگ مشارکت در آنها مشهود است و دیدگاه‌های تبعی و محدود باعث تعادل فرهنگ مشارکتی این جوامع می‌شوند، دموکراسی استوارترین سیستم خواهد بود. فرهنگ سیاسی به معنای ایستارها و باورهای احساسی افراد به نظام و نخبگان سیاسی، نقش مهمی در مشارکت سیاسی دانشجویان دارد که از میان انواع فرهنگ سیاسی تنها فرهنگ مشارکتی می‌تواند تسهیل‌کننده این مهم باشد.

فرهنگ سیاسی دانشجویان امروزه بر خلاف دوران گذشته بیشتر تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی نوظهور قرار دارد و بر این مبنا برخی نظریه‌های جدید مانند دیدگاه‌های کسانی چون کاستلز و هابرماس و همچنین آلموند و وربا می‌تواند در تبیین و همچنین فهم آن موثر باشد. مبانی یافته‌های پژوهش پیش‌رو که با روش کیفی پدیدارشناسی به دست آمد سه مقوله اصلی

فرهنگ سیاسی شامل محدود، تبعی و مشارکتی که به دست آمده است همگی در پرتو فعالیت‌های روشنفکران در فضای مجازی قابل فهم و تفسیر است.

وظایف و حقوق شهروندی از دیگر درون‌مایه اصلی پژوهش پیش‌رو است. شناخت و فهم این درون‌مایه نیز در پرتو فعالیت‌های روشنفکران در شبکه‌های اجتماعی مجازی قرار دارد و همچنین بعضی از نظریه‌ها مانند آلموند و وربا و کاستلز در تبیین این موضوع مؤثر است مبانی یافته‌های پژوهش در این مضمون در پرتو فعالیت‌های روشنفکران قابل فهم است اگرچه دانشجویان خود نیز دارای آگاهی سیاسی بالایی هستند.

اعتماد سیاسی نیز از دیگر یافته‌های پژوهش است. شناخت چیستی و چگونگی این درون‌مایه نیز مورد توجه بوده و بعضی از نظریه‌ها از جمله روشنفکری هابرماس در فهم موضوع مؤثر است. مبانی یافته‌های پژوهش از اعتماد کامل تا بی‌اعتمادی را در برمی‌گیرد که این امر نشان می‌دهد تغییرات اجتماعی در حال اجراست و گذار از یک جامعه سنتی به جامعه مدرن شکل می‌گیرد و البته روشنفکران در این مقوله آن طور که باید کارآیی نداشته‌اند.

احساس آزادی از دیگر درون‌مایه اصلی پژوهش است و براین مبنا برخی نظریه‌ها مانند آلموند و وربا و گیدنز می‌تواند در تبیین و فهم آن مؤثر باشد. مبانی یافته‌های پژوهش پیش‌رو که با روش کیفی پدیدارشناسانه به دست آمده سه مقوله احساس آزادی، احساس ترس و عدم احساس ترس را بیان می‌کند

مشارکت در روند سیاسی کشور نیز از درون‌مایه‌های دیگر تحقیق پدیدارشناسی حاضر به شمار می‌آید. باید توجه داشت مشارکت سیاسی در جامعه‌شناسی سیاسی جایگاه مهمی دارد. بر این مبنا برخی نظریه‌های معاصر مانند دیدگاه هابرماس درباره روشنفکری و عمل ارتباطی در فهم و شناخت موضوع مؤثر باشد. مبانی یافته‌های پژوهش که با روش کیفی به دست آمده به مشارکت فعال، مشارکت نسبی و عدم مشارکت رسیده که در پرتو فعالیت‌های روشنفکران قابل فهم است.

اثر بخشی فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی روشنفکران شامل هم‌اندیشی، میزگرد و نشست‌ها از درون‌مایه‌های دیگر تحقیق به شمار می‌آید باید توجه داشت که عده‌ای به صورت مطلق از اندیشه‌های روشنفکران تبعیت می‌کنند عده‌ای نیز این اثر بخشی را بسته به شرایط مختلف دانسته‌اند. بر این مبنا برخی نظریه‌های معاصر مانند گیدنز که به قلمرو سیاست در رسانه‌های الکترونیکی می‌پردازد و کنش ارتباطی هابرماس در فهم و چگونگی شناخت موضوع مؤثر است.

مقاله‌های سیاسی و بیانیه‌های روشنفکران از درون‌مایه اصلی تحقیق پیش‌رو است. بدون شک بخش عمده‌ای از تولید فکر و اندیشه در این مضمون صورت می‌گیرد. بر این مبنا برخی نظریه‌ها مانند کنش ارتباطی در فهم و شناخت موضوع تأثیرگذار است. این نظریه فضای تفاهم و مکالمه را ایجاد می‌کند و این موضوع باعث بسترسازی منطق گفتگو می‌شود مبنای یافته‌های پژوهش به سه دسته اثربخشی مطلق، نسبی و عدم اثربخشی رسیده است.

اما رضایت از ترغیب و تهییج روشنفکران از مضامین دیگر تحقیق کیفی حاضر به شمار می‌آید در این درون‌مایه دو دسته پاسخ یافت می‌شود که شامل رضایت نسبی و همچنین عدم رضایت از ترغیب و تهییج روشنفکران است. نظریه کنش ارتباطی هابرماس مبنای تفاهم و گفتگو استوار است اما به نظر می‌رسد روشنفکران آن‌طور که باید نتوانسته‌اند به‌طور کامل بر تهییج مخاطبان نقش بسزایی داشته باشند و آن‌چنان در فضای گفتگو و مکالمه موفق نبوده‌اند و لازم است که فضای گفتگو را بیشتر کنند.

اثربخشی از هدایت و راهنمایی روشنفکران در آینده نیز از مقوله‌های مورد توجه در تحقیق کیفی و پدیدارشناسانه پیش‌رو است بر این مبنا برخی نظریه‌ها مانند آلموند و وربا در تبیین و همچنین فهم این موضوع مؤثر است. این درون‌مایه شامل طیفی از اثربخشی مثبت، نسبی و عدم تأثیرپذیری را شامل می‌شود که همگی در پرتو فعالیت‌های روشنفکران در فضای مجازی قابل فهم و تفسیر است.

انتظارها از فعالیت‌های اجتماعی سیاسی روشنفکران در فضای مجازی از درون‌مایه‌های اصلی تحقیق پیش‌رو است. بدون شک رسانه‌های جدید و سایر امکان برقرار ارتباط و فضای کنش و واکنش را به راحتی فراهم کرده است. بنابر این فرصت فراهم آمده تا آنان بتوانند در کوتاه‌ترین زمان ممکن در خصوص رویدادهای مختلف اظهار نظر کنند. این رسانه‌ها فضا را برای گفتگوی رسانه‌های الکترونیکی ساختار سیاست را مشخص می‌کنند. این رسانه‌ها فضا را برای گفتگوی سیاسی و فعالیت بیشتر و باز اندیشه‌تر شهروندان باز و فراهم می‌کند. بر این مبنا برخی نظریه‌های جدید مانند دیدگاه‌های کسانی چون کاستلز و گیدنز می‌تواند در تبیین و همچنین فهم این موضوع مؤثر باشد.

اما اثر بخشی فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی روشنفکران بر فرهنگی سیاسی درون‌مایه دیگر تحقیق پیش‌رو است. گروه‌ها و عناصر روشنفکری همواره در طول تاریخ به عنوان گروه‌های مرجع تلقی می‌شدند و آنان در دو جریان مهم فکری، تاریخی، اجتماعی و سیاسی ایران نقش

مهمی ایفاء کرده‌اند. انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی دو جریانی هستند که روشنفکران در تحقق و پیروزی هر یک مهم و اثرگذار بوده است. فعالیت‌های آنان امروزه بر خلاف دوران گذشته بیشتر تحت تأثیر شبکه‌های اجتماعی نوظهور قرار دارد و بر این مبنا برخی نظریه‌های جدید مانند دیدگاه‌های کسانی چون کاستلز و کنش ارتباطی هابرماس و دیدگاه او درباره روشنفکر و روشنفکری و همچنین آلموند و وربا می‌تواند در تبیین و همچنین فهم این موضوع مؤثر باشد.

منابع و مأخذ

- آیت‌اللهی، حمیدرضا (۱۳۸۲). «مقایسه روش تحلیل فلسفی استاد مطهری در اخلاق و روش پدیدارشناسی هوسرلی». **فصلنامه مقالات و بررسی‌ها**، دفتر ۷۴: ۱۳۱-۱۱۷.
- ادیبی سده، مهدی و صمد عدلی‌پور (۱۳۹۳). «رابطه مصرف رسانه‌ای با فرهنگ سیاسی جوانان؛ مطالعه موردی، شهر تبریز». **دوفصلنامه دانش سیاسی**، شماره ۱: ۲۵-۵.
- امام جمعه‌زاده، سیدجواد و زهره مرندی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی بین دانشجویان دانشگاه اصفهان». **پژوهشنامه علوم سیاسی**، شماره ۴: ۳۳-۷.
- دانایی‌فرد، حسن، احمدعلی خائف الهی و لیلاسادات خدائشناس (۱۳۹۱). «فهم جوهره تجربه بازنشستگی کارکنان در بخش دولتی؛ پژوهشی پدیدارشناسانه». **فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی**، شماره ۱۲: ۱۷۶-۱۵۳.
- ژیان‌پور، حمید (۱۳۹۴). «کاربرد روش تحقیق پدیدارشناسی در تاریخ شفاهی: تبیین امکان و ضرورت». **فصلنامه تاریخ پژوهی**، شماره ۶۵: ۱۹۳-۱۶۵.
- سردارنیا، خلیل‌الله؛ بهمن یوسفی (۱۳۹۵). «سنجش رابطه اعتماد و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با فرهنگ سیاسی دانشجویان: مطالعه موردی، دانشجویان دانشگاه شیراز». **دوفصلنامه دانش سیاسی**، شماره ۱: ۲۶-۵.
- شیخی، خالد (۱۳۸۸). «روشنفکر و رسالت روشنفکری». **فصلنامه زیریا** شماره ۵۷/۵۶: ۳۱۳-۲۷۵.
- گیدنز، آتونی (۱۳۹۱). **جامعه شناسی**، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- نیومن، لارنس (۱۳۸۹). **روش‌های پژوهش اجتماعی: رویکرد های کیفی و کمی (جلد ۲)**، ترجمه ابوالحسن فقیهی و عسل آغاز، تهران: ترمه.

- Alexa. (2012). **Top Sites in Iran, available at:** <http://www.Alexa.Com/Topsites/Countries/Ir>.
- Almond, G. & Verba, S. (1972). *The civic culture*, fourth printing, Princeton, new jersey, **Princeton university press**.
- Castells, M. (2007). *Mobile Communication and Society a Global Perspective, The information revolution & global politics*. Norwood Mass **The cultural turn, New York: Routledge**